



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری: ۷۵ دقیقه



سید بهروز پرتوی

نام آزمون: ادبیات دوازدهم تشریحی (سری اول)

تاریخ آزمون:

۱ در هر یک از گروه‌های اسمی زیر، نوع وابسته وابسته را تعیین نمایید.

الف) هفت فرسخ راه (ب) دامنه کوه‌های شمالی

۲ املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) می‌دانید که من بیش از همه (مُصر - مُسر) بودم در شنیدن حرف‌های شما.

ب) غرق غباریم و (قربت - غربت) با من بیا سمت باران

۳ در نوشته زیر، نوع وابسته‌های وابسته مشخص شده را تعیین کنید.

هنگام مراجعه به بانک اعتبارات ایران، سیصد تومان پول تهیه کرده بودم.

۴ «وجه‌شبه» را در بیت زیر، مشخص کنید؛ توضیح دهید، شاعر برای بیان وجه‌شبه، از کدام آرایه‌های ادبی دیگر بهره گرفته است؟

عاشق آن باشد که چون آتش بُود گرم‌رو، سوزنده و سرکش بُود

۵ از متن درس اول برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهمّ املائی بیابید و بنویسید.

ح ( ..... - ..... - ..... )

ق ( ..... - ..... - ..... )

ع ( ..... - ..... - ..... )

۶ عبارات و اشعار زیر را به نثر روان و امروزی بنویسید .

الف) مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید / و نگاهش مثل خنجر بود

۷ با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید:

«رخش را می‌دید و می‌پایید / رخس، آن طاق عزیز، آن تایی بی‌همتا / رخس رخشنده / با هزاران یادهای روشن و زنده»

الف) «طاق» به چه معناست؟

ب) منظور از «هزاران یادهای روشن و زنده» چیست؟

پ) در متن بالا یک حس آمیزی بیابید.

۸ برای هریک از آرایه‌های زیر، نمونه‌ای از متن درس بیابید.

کنایه:

تشبیه:

سجع:

۹ با ت.ج به محتوای درس سوم (آزادی) در کدام بیت‌ها، یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

۱۰ منظومه‌های زیر با هم چه ارتباط معنایی‌ای دارند؟

الف) سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد / و چه سرمایی چه سرمایی / باد برف و سوز وحشتناک

ب) هوا دیگر درها بسته / سرها در گریبان است / دست‌ها پنهان / نفس‌ها ابر، دل‌ها خسته و غمگین

ج) در آن کویر سوخته آن خاک بی‌بهار / حتی علف اجازه زیبا شدن نداشت

۱۱ آرایه مشترک عبارت‌های زیر را بنویسید.

۱) آن‌که هرگز چون کلید گنج مروارید گم نمی‌شد از لبش لبخند

۲) مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید / و نگاهش مثل خنجر بود

۳) صدای شوم و نامردانه‌اش در چاهسار گوش می‌پیچید.





۱۲) با توجه به دو بیت زیر از مولوی، آیا می‌توان «دیر شدن روز» و «بیگاه شدن» را معادل معنایی یکدیگر دانست؟ دلیل خود را بنویسید.

مکر او معکوس و او سرزیر شد  
روزگارش برد و روزش دیر شد  
بی‌گاه شد بی‌گاه شد، خورشید اندر چاه شد  
خورشید جان عاشقان در خلوت الله شد

۱۳) گروه‌های اسمی عبارت زیر را مشخص کنید.

«مدتی بعد تفنگ خفیف به دستم دادند.»

۱۴) عبارت: «آن شب بر روی بام خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا» در بستر خویش به خواب رفتم.» به چه آیه و مطلبی اشاره دارد؟

۱۵) مقصود مولوی از «نی» و «نیستان» چیست؟

۱۶) با توجه به متن زیر، به سؤالات زیر پاسخ دهید.

«من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد؛ ولی به اصرار یکی از ادیبان، کلمه «استاد» را اختیار کردم؛ اما خوش ندارم زیاد استعمال کنم.»

الف) فعل «می‌دانم» به چه معنی است؟ این فعل، به جز نهاد به کدام اجزای دستوری نیاز دارد؟

ب) متن، دارای چند جمله است؟

پ) چند جمله مستقل وجود دارد؟

۱۷) معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید:

الف)

تو مُشت درشت روزگاری  
از گردش قرن‌ها پس افکند

ب)

برکش ز سر این سپید معجر  
بنشین به یکی کبود اورند

پ)

بگرای چو اژدهای گرز  
بخروش چو شرزخ شیر ارغند

ت)

تا درد و ورم فرو نشیند  
کافور بر آن ضماد کردند

۱۸) با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

چشم بگشا به گلستان و بین  
جلوه آب صاف در گل و خار  
روی‌ها چون زین بیابان درکنند  
جمله سر از یک گریبان برکنند

الف) مفهوم مشترک ابیات بالا چیست؟

ب) این ابیات، یادآور کدام وادی از هفت وادی عرفان است؟

۱۹) شاخص‌ها را در عبارت زیر مشخص کنید.

به قصد ابراز رضایتمندی، تعارف کنان گفتم: آقای مصطفی خان، نوش جان بفرمایید.

۲۰) با توجه به سرود زیر به سؤالات پاسخ دهید.

هر که فریادرس روز مصیبت خواهد  
گو در ایام سلامت به جوانمردی کوش  
بنده حلقه به گوش از نوازی برود  
لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش

الف) چرا شاعر در بیت اول توصیه به جوانمردی در ایام سلامتی می‌کند؟

ب) در چه صورت بنده حلقه به گوش، ارباب خود را ترک می‌کند؟

پ) چگونه می‌توان بیگانه را مطیع خود کرد؟



## پاسخنامه تشریحی

- ۱ الف) ممیز (ب) صفت مضاف‌الیه
- ۲ الف) مُصر (ب) غربت
- ۳ ایران: مضاف‌الیه مضاف‌الیه (تومان: ممیز)
- ۴ وجه‌شبهه: گرم‌رو، سوزنده و سرکش (یا همان مصراع دوم)  
کنایه: گرم‌رو = تند و سریع، سرکش = سریع و نافرمان  
تشخیص: آتش مانند انسانی تند و سریع و سرکش و نافرمان تصور شده است.
- ۵ ح (حلیه - تحیّر - اصحاب)  
ق (مستغرق - تقصیر - باسق)  
ع (مطاع - اعراض - تضرّع)
- ۶ الف) در صدای مرد داستان گو غمی پنهان بود (بیان غمگینی داشت) و تند و تیز نگاه می‌کرد.
- ۷ الف) تک (یکتا، یگانه)
- ب) خاطرات روشن و به‌یادماندنی (یا هر پاسخی نظیر این مفهوم)
- پ) یادهای روشن
- ۸ «ترک خود کردن»: کنایه از به فکر خود نبودن  
«رخت نهادن»: کنایه از اقامت کردن  
«آتش عشق» و «سودای عشق»: اضافه تشبیهی هستند.
- ۹ در بیت‌های زیر «نهاد» به قرینه لفظی حذف شده است:  
خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد  
ز اشک ویران گنش آن خانه که [ آن خانه ] بیت الحزن است.  
نهاد
- هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت  
آری [ دلم ] نداشت غم که [ دلم ] غم بیش و کم نداشت  
نهاد نهاد
- ۱۰ در گزینه «الف» ← سرما نماد ظلم است و شعر اشاره دارد به ظلم و ستم حاکم بر جامعه.  
در گزینه «ب» ← خفقان و ستم حاضر در جامعه که مردم دلگیر و خسته‌اند.  
در گزینه «ج» ← جامعه خفقان‌زده که اجازه رشد و آزادی نمی‌دهد.  
پس هر ۳ گزینه به وجود ظلم و ستم در جامعه اشاره دارند.
- ۱۱ تشبیه آرایه مشترک هر سه گزینه است.  
۱) لجن‌دش کلید گنج مروارید ← تشبیه  
۲) نگاه مثل خنجر ← تشبیه  
۳) چاه‌سار گوش ← تشبیه
- ۱۲ به؛ زیرا «روز» مجاز از تمام عمر است و «دیر شدن» و «بیگاه شدن» به معنی سپری شدن و به پایان رسیدن است و در مجموع، در شعر مولانا «دیر شدن روز» و «بیگاه شدن روز» به معنی سپری شدن و به پایان رسیدن عمر است.
- ۱۳ گروه‌های اسمی:  
تفنگ خفیف: گروه اسمی: مفعول  
دستم: گروه اسمی: متمم
- ۱۴ اشاره دارد به آیه یک سوره اسراء: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَدْنِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ: پاک و منزّه است آن (خدایی) که بنده‌اش را از مسجدالحرام تا مسجدالاقصی که اطرافش را برکت داده‌ایم شبانه برد، تا از نشانه‌های خود به او نشان دهیم. همانا او شنوا و بیناست.»
- ۱۵ نیستان: عالم معنا - نی: روح
- ۱۶ الف) فعل «می‌دانم» به معنی «می‌پندارم» است و به جز نهاد، به «مفعول و مسند» نیاز دارد.  
مِن تَخَلُّصِ رَا از زواید و از جمله رسوم و عاداتی که باید متروک گردد، می‌دانم  
فعل مسند مفعول نهاد



**ب** پنج جمله دارد:

- ۱ - من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم.
- ۲ - که باید متروک گردد.
- ۳ - ولی به اصرار یکی از ادیبان، کلمه «استاد» را اختیار کردم.
- ۴ - اما خوش ندارم.
- ۵ - زیاد استعمال کنم.

**پ** سه جمله مستقل دارد:

- ۱ - من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد. (یک جمله مستقل مرکب)
- ۲ - ولی به اصرار یکی از ادیبان، کلمه «استاد» را اختیار کردم. (یک جمله مستقل ساده)
- ۳ - اما خوش ندارم زیاد استعمال کنم. (یک جمله مستقل مرکب)

۱۷

**الف** پس افکنده، میراث

**ب** سرپوش، روسری

**پ** خشمگین و قهرآلود

**ت** مرهم، دارو که به جراحت نهند

۱۸

**الف** وجود همه چیز را از خداوند دانستن. (جاری بودن وجود خداوند در همه پدیده‌ها)

**ب** یادآور وادی توحید هستند.

۱۹ آقا / خان

۲۰

**الف** برای اینکه در روز مصیبت و گرفتاری فریادری داشته باشد.

**ب** در صورتی که مورد نوازش و لطف او قرار نگیرد.

**پ** با لطف و مهربانی کردن